



«باز گشت همه به سوی اوست»

استاد حفیظ الله وفا نقاش، شاعر، نویسنده
وهیکل تراش کشور دیگر در بین دوستان
و علاقمندانست.

با درد و تأسف که نقاش چیره دست؛ شاعر توانا؛ نویسنده عریان گوی و هیکل تراش پر حوصله، دیگر در بین دوستان و علاقمندانست. اری استاد حفیظ الله «وفا» نورستانی که یک عمر در لپسه هایی استقلال وامانی (نجات) و کورسهای پروفیسور میمنه گی در خدمت سالم اولاد وطن همت گماشت؛ چندی قبل جهان فانی را وداع گفت و به دیار ابدیت پیوست. روحش شاد و یادش گرامی باد!

عمر هد رفته

از اینکه چها میگذرد دور و بر ما	غرق سرو سودایم و از خود خبرم نیست
دستی نکشید هیچکس از لطف سر ما	بس رنج کشیدیم و ز هنگامه طفلی
بر خان کسان هیچ نبودی اثر ما	در پای خود استاد شدم وقت جوانی
از بخت بدم دست شکست و کمر ما	طی گشت جوانی و بشد مو به سپیدی
چند بیل کثافات بریزند سر ما	ترسم که مرا جای، طی خاک نباشد
خوش باش که رفتیم و نیابی اثر ما	در زندگیم ایکه زمن رنج کشیدی
ای وا که دگر نیست به دنیا گذر ما	در وادی صحرای عدم جایگه ما

از عمر هد رفته «وفا» چند بنالی

ایاچه بود فتنه دگر زیر سر ما